زن در نظر ملل عالم

خلیلی، عباس

عرب:زن کشتزار است.بدلخواه خود از این کشتزار بهره‏مند شوید «نساء کم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم»آیه قرآن.و نیز-زن گل و ریحان است‏ ما همه بوئیدن گل خوشبو را دوست داریم.شعر:

این النساء ریاحین خلقن لنا و کلنا یشتهی شم الریاحین

ایران:هنر زن زائیدن شیر نر است.

زنانرا همین بس بود یک هنر نشینند و زایند شیران نر

فردوسی

هندوستان:زا آینه صفای شماست.خوبی و زشتی شما در آینه منعکس‏ میشود زینهار آینه را تار میکند.

روم قدیم:زن مادیان تندرو است.سوار خود را زود بمقصد میرساند. گاهی هم از فرط شتاب می‏لغزد و سوار را سرنگون میکند.

یونان قدیم:سر وجود در خلقت زن نهفته.چون راز هستی آشکار شود رسوائی بدنبال میکشد.

یونان کنونی:زن مظهر عشق و جمال و وحی‏کنندهء شعر و خیال است از او الهام بگیرید.

چین قدیم:زن هزار صفت دارد یکی از آنها:لگن پر انگبین است ولی هنوز نیش زنبور در آن نهفته.

چین جدید:زنان ما همه جا با ما گام برداشتند من و همسر مهربانم هر دو با هم بمقصد رسیدیم.

وحوش افریقا:زن متاع ذخیره است.هرگاه گرسنه ماندی او را بخور.

حبشه:زن برای همه خوب است.تو زن را بگیر و مگذار او ترا بگیرد.

ترک:زن شمشیر برهنه و تیز است.شمشیر زن حذر کند که اول بر سر او آخته نشود طبیعت زن بریدن است.

بلغار:زن تنور گرم است چون سرد شود خاکستر بر سر مرد میریزد.

روس:تو که زن داری،برو لحاف را بفروش و ودکا بنوش.او ترا همیشه‏ گرم می‏کند.

افغان:هر دشنامی که از زن خود شنیدی بمردم تحویل بده تا همه بر سر تو بریزند.

بحرین:قیمت ماهی دودی با قیمت زن برابر شده.

کرد:زن گل است.آهو است ندانم چیست همین قدر میدانم زن است.

مثل مشهور:زن بلاست.هیچ خانه بی‏بلا نباشد.